

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

لیست ترتیبی خطبه‌های محرم سال ۱۴۰۰

(محرم ۱۴۴۳ هـ.ق - نورالحسین)

- ۰۱- خطبه‌ی شب افتتاحیه- ۱۸ مرداد ۱۴۰۰
- ۰۲- خطبه‌ی شب اول- ۱۹ مرداد ۱۴۰۰
- ۰۳- خطبه‌ی شب دوم- ۲۰ مرداد ۱۴۰۰
- ۰۴- خطبه‌ی شب سوم- ۲۱ مرداد ۱۴۰۰
- ۰۵- خطبه‌ی شب چهارم- ۲۲ مرداد ۱۴۰۰
- ۰۶- خطبه‌ی شب پنجم- ۲۳ مرداد ۱۴۰۰
- ۰۷- خطبه‌ی شب ششم- ۲۴ مرداد ۱۴۰۰
- ۰۸- خطبه‌ی شب هفتم- ۲۵ مرداد ۱۴۰۰
- ۰۹- خطبه‌ی شب هشتم- ۲۶ مرداد ۱۴۰۰
- ۱۰- خطبه‌ی شب نهم (شب عاشورا)- ۲۷ مرداد ۱۴۰۰
- ۱۱- خطبه‌ی روز عاشورا- ۲۸ مرداد ۱۴۰۰
- ۱۲- خطبه‌ی شب دهم (شب اول شهادت امام حسین (ع))- ۲۸ مرداد ۱۴۰۰
- ۱۳- خطبه‌ی شب یازدهم- ۲۹ مرداد ۱۴۰۰
- ۱۴- خطبه‌ی شب دوازدهم- ۳۰ مرداد ۱۴۰۰
- ۱۵- خطبه‌ی شب سیزدهم- ۳۱ مرداد ۱۴۰۰
- ۱۶- خطبه‌ی اربعین- ۰۵ مهر ۱۴۰۰

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۳ هـ.ق - نورالحسین)

۱۸ مرداد ۱۴۰۰

خطبه‌ی شب افتتاحیه (قرائت سوره مبارکه فجر)

شکر و سپاس پروردگار کریم، حکیم و رحیم را سزااست که روزی بی حساب در این کوی عشق به ما عطا فرمود که بر گنجینه‌ها و اسرار نهفته در زمان دست یابیم و نعمت‌هایی که هر پیام و حرفش زنده کننده‌ی جان مرده است. جان‌هایی که عقل و تفکر و اندیشه را چلچراغ خود قرار داده‌اند تا از ظلمت جهل رهایی یافته و در روشنایی دانایی به باطل‌های زمانه و وجود خود آگاه شده و با عشق و اشتیاق حق را در همه‌ی زمینه‌ها برگزیده و در راه برقراری‌اش با همه‌ی داشته‌های خود قیام کنند.

پس سلام و درود بی‌پایان بر خاتم رسولان حضرت محمد (ص) باد که همچون نوری در ظلمت اندیشه‌های باطل شعله‌ور گردید و جان‌های خفته در ظلمت جهل را در تربیت کتابی قرار داد که نامش افضل‌ترین نام‌ها و هدایتش کامل‌ترین هدایت‌ها است و آنگاه فرمان داده شد از او و فرزندانش که جانشینان بر حق او هستند اطاعت کنید تا انوار هدایت در جان‌هایتان همواره بتابد و از فروغش شب‌های ظلمانی جهل به روزهای روشن هدایت تبدیل گردد و این نور تجلی نورالحسین در نهضت عاشورا است که تا قیامت روشن کننده‌ی راه حق مداران است چون امام حسین (ع) با تمام وجود و داشته‌های خود، جان و مال و فرزند بر علیه باطل قیام فرمود تا عبرت تاریخ شود همان‌گونه‌ای که سال‌های قبل امیر مؤمنان (ع) فرمودند که رسول خدا (ص) مرا به حضور پذیرفتند تا از سفری که پیش روی اهل بیت است همگان را آگاه کنم.

من دست مبارکشان را بوسیدم و گفتم یا رسول‌الله نوادگان شما آینه‌ی جمال احدیت هستند پس به آنچه امر شوند جان خویش را طبق فرموده‌ی پروردگار در راستای فرمان الهی قرار خواهند داد. رسول خدا (ص) می‌فرمودند آنچه فرزندانم به آن مأمور خواهند شد انقلابی عظیم است مانند هجرتم از مکه به مدینه سازنده‌ی تاریخ قیامی

خونین؛ پس فرزندم حسین (ع) را به ضیافت خویش می‌خوانم تا پرده از رازی بردارم که در پیش رو دارد.

پس می‌بینیم که نهضت عاشورا ریشه در امر پیامبر و خدا دارد ولی افسوس بشریت هزار و اندی سال از آن گذشته، نتوانسته آن را درک کرده و عزت و آزادگی و رستگاری را برای خود کسب کند. حتی شیعیان که مدعی دوستی امام حسین (ع) هستند همان‌گونه‌ای که در شب‌های آینده خواهیم شنید چند روزی دهه‌ی محرم را از تاریخ جدا کرده بر سر و سینه می‌زنند پس از آن دوباره به تاریخ برمی‌گردند و خاطره‌ای از آن باقی می‌ماند.

اینک ضمن شکرگزاری پروردگار عزیز و رحمان که نعمت و رحمت بی‌همتای خود را در این دهه‌ی محرم به برکت وجود مقدس مولا و سرورمان امام زمان (عج) نازل فرمود تا کتاب نورالحسین به قلم امام حسین (ع) را شنیده کلمه به کلمه‌ی آن را در جان و روحمان وارد کرده، در عملمان و فکرمان و همه‌ی زندگی‌مان به آن عمل کنیم.

در پایان خطبه امشب را مزین می‌کنیم به فرموده‌ی بانوی دو عالم و سرور عالمیان حضرت زهرا (س) که چنین فرمودند: آخرین پیامبر الهی همچون ابراهیم خلیل زیست. در آتش نفس‌های سرکش امتش جان مبارکش سوخت و هیزم‌هایی که مردمان با شادی در مبارزه با وجود نازنینش می‌آوردند تا فرامین قرآن کریم را بسوزانند در گلستان صبر و استقامت آخرین هدایت کننده‌ی آسمانی به بهشت الهی پیوند خورد تا همواره مردمان در گلستان نبوت بنگرند و فرزندان نبوت را در آن ببینند و منتظر آخرین گل گلستان باشند تا بهاری دیگر را مژده دهد.

شما در خانه‌ای دهه‌ی محرم را عزاداری می‌کنید که صاحب آن تبر به دوش راست دارد و گردن شرک و گناه را قطع می‌کند و ریشه‌اش را از زمین برمی‌دارد و به فرمانش نماز برپا می‌دارید و پروردگار عرضه می‌دارید که در پریشانی به فریاد شما برسد. پریشانی مردمی که تیزی تبر را نزدیک شاهرگ خویش حس نمی‌کنند پس اگر تبردان هستند باید بتی را باقی نگذارند و اگر جزء بت‌شکنان نباشند پس خود خردشدگان خواهند بود و قرآن کریم می‌فرماید تنها تقواییشان عبرت می‌گیرند.

پس در این شب صاحب نعمت‌مان، سرور و مولایمان را برای درک و عمل به خطبه‌های
دهه‌ی محرم به فریاد می‌خوانیم:

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۳ هـ.ق - نورالحسین)

۱۹ مرداد ۱۴۰۰

خطبه‌ی شب اول (قرائت سوره مبارکه توبه)

سلام بر آخرین سفیر هدایت پیامبری که عقل کل آفرینش بود در تمام آنچه پروردگار آفریده بود و امشب اول محرم سال ۵۳ هجری قمری است. حضرت اباعبدالله (ع) به زیارت جدشان به حرم تشریف می‌آورند. صدای ملکوتی پیامبر (ص) در فضای مسجد می‌پیچد. ای جان شیرینم امشب تو را به ضیافت فرمانی می‌خوانم که پیش از این آن را به امیر مؤمنان مزده داده‌ام پس آماده‌ی گرفتن این فرمان باش تا رسالت حق احیا شود و زمان آن را مانند گنجی به سینه بفشارد تا آیندگان خاندان رسالت را در آینه‌ی محرم تماشا کنند آنگاه پیامبرشان را به خاطر آورند که چگونه در مقابل دسیسه‌ی بزرگان قریش ایستاد تا حق جاودانه بماند و باطل چهره‌ی خویش را آشکار کند. اینک تو را به آینده‌ی بشارت می‌دهم که جان‌ها در شراره‌ی عشقت به سوز و گداز مبتلا می‌شود آن‌چنان به نامت عشق می‌ورزد که هرگز زمان آن را به یاد ندارد پس خوب به آنچه مأمور خواهی شد بیندیش تا سال‌های پیش رو مشتاقانه در رسالتی که بر دوش داری تو را یاری کند.

اینک به شبی بیندیش که در دامان مادرت زهرا (س) نشسته بودی. او دستان کوچکت را به دهان مبارکش چسبانده بود تا طعم آن را در تمام وجودش احساس کند. چهره‌اش مانند خورشید صبحگاهان در انوار حق می‌درخشید. به‌طرف من آمد ای رسول خدا (ص) در قلبم ندایی را احساس می‌کنم که مربوط به رسالتی عظیم است آیا سکان‌دار این رسالت وجود مقدس خودتان هستید و من پاسخ دادم در زمان خودش همگان به آنچه اراده‌ی الهی است آگاه خواهند شد. آنگاه از آغوش مادر به‌طرف آغوش پدر دویدید و لب را به شمشیر ایشان گذاشتید و خطاب به رسول خدا گفتید: ای آخرین رسول پروردگار من در دامان حق پرورش یافته‌ام پس جز آن را نمی‌بینم. اینک سال‌ها

از آن صحنه می‌گذرد و بار دیگر زمان به مدد می‌آید تا تاریخ دیگری را به تصویر کشد. تاریخی که هرگز از یادها نمی‌رود.

نسل‌ها می‌آید و می‌رود و این حماسه همچنان همگان را به ضیافت حق می‌خواند؛ مانند امشب که شروع فرمان نهضتی عظیم است. اینک سال‌های انتظار را طی می‌کنیم تا فرمان حرکت را در قلب زمان ثبت کنیم. حرکتی که در سال ۶۱ هجری از مدینه آغاز گردید تا آنچه در لحظه لحظه‌ی این سفر ملکوتی اتفاق افتاده است را به دل زمان بسپاریم پس برای برپایی دولت حق دست‌ها را به آسمان می‌گشاییم:

بارالها سال‌هاست گوش جامان با نام نهضت عاشورا به صحرایی متصل گردیده که منتظرانش او را می‌خوانند به نوای:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۳ هـ.ق - نورالحسین)

۲۰ مرداد ۱۴۰۰

خطبه‌ی شب دوم (قرائت سوره مبارکه عنکبوت)

سلام بر فرمانی مبارک همان فرمانی که بر جان مطهرش فرود آمد: بخوان به نام پروردگارت که خلق کرد انسان را از خون بسته و او خواند تا جان‌ها ندای ملکوتی‌اش را در تمام عصرها و زمان‌ها دریابند. همان خون‌های بسته که پروردگار فرمود آیا من پروردگارتان هستم و همه معترف شدند. اینک قالو بلاها پا به عرصه‌ی حیات می‌گذارند. می‌آیند تا ارثی را به نمایش بگذارند که همواره در جانشان به امانت بوده. ندایی شیرین رسول خدا (ص) را می‌خواند: ای محمد (ص) خاندان خویش را چگونه در این پیمان به پیشگاه پروردگار عرضه می‌داری. رسول‌الله (ص) می‌فرمایند: یارب آنچه به من هدیه فرمودی کوثری بی‌همتا بود و آنچه به او هدیه می‌فرمایی خود به آن آگاهی؛ پس خاندان مرا از برپاکنندگان این عهد و پیمان قرار بده تا شکرگزار نعمتی باشم که ثروتش را پایانی نیست. خاندانی که جانشین رسالت‌اند و امر کنندگان به معروف و نهی‌کنندگان از منکر.

ندایی جان شیرینش را در احاطه‌ی خویش می‌گیرد. ای خاتم رسولان تو را فرزندی خواهد آمد که بهترین خلق هستند در میان خاکیان و برترین جان‌ها هستند در میان ملکوتیان پس به فرزندان بنگر که در آغوش به بازی مشغول‌اند و زمان بار دیگر ودیعه دار امانتی خواهد بود که نامش انتظار است پس منتظران به دولتی خواهند رسید که در آن جز حق گفته نخواهد شد. گوش‌های حق‌جو باطل را نمی‌شناسد. همان ندای حقی که جان عاشقان را به ضیافت زمان می‌خواند. می‌آیند تا تاریخ را در درونشان به تصویر بکشند. چگونه توان درک درونی را دارند که با قلبشان در گفت‌وگویی عاشقانه است. تو میراث دار کدام عهدنامه‌ای که این‌چنین به مانند گردبادی ویران‌کننده به دور وجود خویش می‌پیچی تا جز او همه چیز را در هم شکنی و سپس او بماند و تو در عظمتش محو شوی آنگاه تو را به نام بخوانند.

اینک به آستان میزبانی آمده‌ای که تو را در آنچه به دوش کشیده‌ای یاری می‌کند.
نامش را بخوان تا ثروت جانت را دریابی.

اللهم عجل لولیک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۳ ه.ق - نورالحسین)

۲۱ مرداد ۱۴۰۰

خطبه‌ی شب سوم (قرائت سوره مبارکه دخان)

سلام بر زمان آنگاه که به حرکت درمی‌آید تا نام‌ها را در آغوشش جای دهد. نامی که زمینیان در پی آن نیستند زیرا توان اندیشه‌شان قدرت تحلیل حوادث را ندارد. پس گوش‌هایشان می‌شنود، در جانشان حوادث گذشته در حال عبور است؛ مانند ابری که باد او را به هر سو اراده کند می‌برد. او از محرم خاطره‌ای غم‌انگیز را در جانش ذخیره نموده؛ ذخیره‌اش را در پنهان و آشکار در قلبش مرور می‌کند. نام قهرمانانی که هر سال به صحنه می‌آیند، در یک انقلاب حق و باطل شرکت می‌کنند و مجدداً به صفحه‌ی تاریخ بازمی‌گردند تا باز زمان اندیشیدن از راه برسد پس وارث ثروت حق نیستند بلکه وارث خاطره‌ای هستند که در جانشان به جریان می‌افتد درحالی‌که آنچه در زمان می‌درخشد اراده‌ی الهی است در شناخت خلیفه؛ همان خلیفه‌ای که در آغوش پر مهر رسول الهی پرورش می‌یابد سپس در حجاب زمان قرار می‌گیرد. سال‌ها می‌گذرد و باز جدش او را می‌خواند: ای بهترین تحفه آسمانی آنچه در سال‌های عمرت از کودکی تاکنون دریافتی نقاب سنگین نفاق و دورویی بود در اعتراف به یگانگی و توحید الهی و چه سخت است برای عقل کل زندگی با تهی‌مغزان که جز به صبحگاهان که برخیزند و شبانگاهان که به بستر بروند اندیشه‌ی دیگری ندارند.

آنان همان بوزینگانی هستند که چهره‌ی انسان را در ظاهرشان رسم نموده‌اند و آنچه بر دوش‌های وارث رسالت سنگینی می‌کند کشیدن بار این تهی‌مغزان است. پس من جدت، برگزیده‌ی پروردگارت، تو را امر بر حرکتی می‌کنم که بهانه‌ای باشد برای دیدارت و درحالی‌که رسالت این حرکت عظیم را فرمان می‌دهم و جان شریفتم به‌مانند کودکی‌ات جز در محور حق به گردش در نمی‌آید. پس صاحب عصرها را به مدد می‌خوانیم با:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۳ هـ.ق - نورالحسین)

خطبه‌ی شب چهارم (قرائت سوره مبارکه حضرت محمد(ص)) ۲۲ مرداد ۱۴۰۰

سلام بر فرمانی عظیم، آنگاه که زمان را می‌شکافد تا جان‌های مرده در کالبد خاکی را از قبرها فراخواند پس به استخوان‌های پوسیده و در هم شکسته فرمان اتصال می‌دهد. خاک گورها به جنبش درمی‌آید. جسم متلاشی به هم پیوند می‌خورد. می‌خواهد از زیر خاکی که مدتش را نمی‌داند بیرون بیاید. چه کند، به کدامین سو برود، بر سر گور خویش می‌ایستد. زمان را به خاطر نمی‌آورد، او کیست؟ باید مددکاری داشته باشد. چه کسی به فریادش می‌رسد؟ او را به آمدن این لحظات آگاه کرده بودند ولی مستی زندگی دنیا آن‌چنان فریبنده است که همگان از تفکر به این لحظات در غفلت‌اند مانند زمانی که وجود مقدس پیامبر (ص)، حضرت اباعبدالله (ع) را فرمان می‌دهند تا جان‌های در گور خفته را نهیب زنده شدن بزنند.

ندایی در قلب وجود مقدسش او را به حرم جدش می‌خواند. به نزد پیامبر بیا. اباعبدالله (ع) به خدمت جدش می‌رسد. یا رسول‌الله امر بفرمایید تا آنچه در ظاهر و باطن متعلق به من است را فدای امر مبارکتان کنم. ای جانشین رسالت، آن زمان که در غار حرا بودم و از آنجا به کعبه می‌نگریستم غم بزرگی وجودم را پر می‌کرد. وای بر این انسان‌های گمشده در جانشان چگونه توان گفتن سؤالی که از آن‌ها خواهد شد را دارند. آن‌ها ثروت پروردگارشان را در بازار دنیا به فروش می‌رسانند و از این خرید و فروش شادمان‌اند.

سپس به میانشان رفتم مرا دیوانه خواندند زیرا عقلی که با آن بتوانند حقیقت را دریابند از دست داده بودند. با تمام هستی‌ام به نجاتشان همت گماشتم ولی دام شیطان آن‌ها را ربوده بود به مانند زمان امامت که جان‌ها اسیر دام شیطان خواهد شد. عقل‌ها به مانند ریسمانی بر گردنشان سنگینی خواهد کرد و آن‌ها این ریسمان را می‌کشایند تا مشکلی بر سر راهشان نباشد و تو عزیز جانم یک بار دیگر با تمام آنچه

در اختیار داری برای زنده شدن این جان‌های در بند شیطان به میدان می‌روی؛ زیرا آن‌ها خود را امت من می‌دانند و من این حجت را از آن‌ها جدا خواهم کرد تا نشان مسلمانی‌شان در قالب حق و باطل در زمان باقی بماند مانند امت آخرالزمان که خود را منتظران دولت حقه می‌دانند و من پیامبرشان اعلام می‌دارم:

نشان مسلمانی آنان را در حیاتشان به آنچه قرآن کریم به آنان فرمان می‌دهد و من به آنان فرمان داده‌ام می‌شناسم پس نافرمانان از امت من جدا می‌شوند مانند برگ‌ها که از درختان به زیر پای مردم می‌ریزد و زمان با منتظران واقعی او را به مدد می‌خواند با:

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۳ هـ.ق - نورالحسین)

۲۳ مرداد ۱۴۰۰

خطبه‌ی شب پنجم (قرائت سوره مبارکه احزاب)

سلام بر ساعت‌های انتظار همان دقایقی که به زیباترین لطف الهی آراسته شده‌اند تا همگان بر دریاچه‌ی احسانش بنشینند آنگاه اعلام دارند یا رب در تمام سال‌های عمرم نگاه مهربانت را در عمق وجودم احساس کردم. گرمایی که حکایت از آغوشی پر از لطف و احسانت داشت پس تو را به عظمت می‌ستایم و از آنچه بر پیامبرانت نازل فرمودی اطاعت می‌کنم تا انتظارم به وعده‌ی الهی مزین شود و من همان‌گونه که قرآن کریم فرموده: **قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ** (به تحقیق رستگار شدند مؤمنان)؛ یاریم فرما جانم از حقایق غیبی متنعم شود که زمان آن را به مانند گوهری گران‌بها از سینه‌ی خویش خارج می‌کند تا همگان از آنچه در انتظارشان است آگاه شوند.

ایام محرم به جلو می‌رود زمان آماده‌ی گرفتن دستور حرکت است. وجود گرمی اباعبدالله (ع) خدمت جدّش می‌رسد یا رسول‌الله آماده‌ام تا اوامرتان را به جان سوخته از هجرانتان بنوشانم. صدای مبارک رسول خدا (ص) فضای مسجد را پر می‌کند. محرم اولین ماه قمری است. یادآور هجرتم از مکه به مدینه. روزهای سخت جدا شدن از حرم الهی. آدمم تا هجران مکه را در شیرینی هدایت‌م به صبری آراسته کنم که نامش انتظار است و اینک سال‌ها از آن سختی‌های پیش رویم می‌گذرد. مسلمانان به طرف باطلی به حرکت درآمدند که نور هدایت قرآن کریم را در امیال خویش افروختند. حرام‌ها را حلال کرده‌اند و در نقابی که بر چهره دارند مدعی برپا کنندگان معروف و نهی کنندگان از منکرند. درحالی‌که در تمام سال‌های رسالتم چنین قوم ظالمی را به یاد ندارم و تو را به برداشتن این نقاب از چهره‌هایشان فرمان می‌دهم. آنان به مانند گرگ‌های گرسنه در زمستان به دور یکدیگر جمع شده‌اند تا در غفلتی که جانشان را احاطه کرده یکدیگر را بدرند و خود را صحابه‌ی من بنامند.

من این ادعا را تا قیامت در زمان ثبت می‌کنم که اینان شقی‌ترین انسان‌ها در زمان خود هستند و هرگز زمان نظیر آنان را در بریدن رگ‌های هدایت به خود ندیده است. چه فرمان مبارکی را در جانت حمل می‌کنی تا زمانش فرا رسد و آنگاه همگان دریابند حقیقت مسلمانی در عملشان است. میراث بران آینده که سخنان مرا می‌شنوند و از اراده‌ام آگاه می‌شوند همانانی هستند که در شعله‌ی عشق به فرزندانم ناله سر می‌دهند تا مزد رسولشان را طبق فرموده‌ی پروردگارشان در مودت به فرزندانم بپردازند. غافل از اینکه مزد پیامبرشان در درونی غم‌زده خلاصه نمی‌شود. مودت به معنای اطاعت است پس عمل خویش را به اطاعت مزین کنند تا به‌عنوان امتی که به سخنان پیامبرشان گوش می‌دهند، نصایحش را می‌شنوند آنگاه تیغ بر حقیقت رسالت می‌کشند تا شب و روزشان در نفسی بگذرد که به آن عشق می‌ورزند. آنگاه بار دیگر زمان به فرمان دولتی مزین شود که در آن جز حق نباشد و منتظرانش او را بخوانند به دعای:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۳ هـ.ق - نورالحسین)

۲۴ مرداد ۱۴۰۰

خطبه‌ی شب ششم (قرائت سوره مبارکه نجم)

سلام بر امری که در درون جان عالم در جریان است تا روزها و شبها از پی یکدیگر بیاید. مُدبِرُ اُمور، امور عالم را در تدبیر خویش گیرد. روزی خورندگان بر سر سفره‌ی احسانش بنشینند و هیچ مخلوقی گرسنه نماند. ظاهر عملها در کار و تلاش باشد و باطن عملها در پرستش آفریننده‌ی جانها. پروردگاری که از بدو خلقت جهان را به فصلها و ماهها آراست. آنگاه هدایت گرانس را به عظمت خلقش آشنا فرمود تا غیب را در جانشان حس کنند سپس با تمام آنچه از آنجا آورده‌اند مردم را به دنیایی هدایت کنند که توان درکش را ندارند.

به همین منظور معجزه به میدان می‌آید تا قلبها و دیده‌ها را تسخیر کند و غیب الهی معنا شود مانند مردمان عصر کنونی که از دریچه‌ی غیب زمان شنونده‌ی وقایع سالهایی می‌شوند که وجودشان در امانت الست به سر می‌برده و هنوز دنیای خاکی را نمی‌شناختند. اینک به آن قدم گذارده‌اند. در دامن پدر و مادرشان به رشد رسیدند آنگاه در پی یافتن مجهولات درونشان به جستجو پرداخته‌اند. دینشان را و رهبرهای دینی‌شان را انتخاب کرده و در راه تکامل آنچه در گذشته اتفاق افتاده و باید اکنون آیینهای عملشان شود در تلاش‌اند تا معمای اتفاقات زمان برایشان حل شود.

پس با مولایشان به سفر تاریخ می‌روند. به روزهایی که عالم در نفس‌های جان‌هایی مطهر بود که مردمان عصرشان توان درکش را نداشتند پس به طرف باطل زمان به حرکت درآمده بودند. پیامبرشان از دنیا رحلت فرموده بود و فرزندانش پرچم‌دار رسالتش بودند. رسالتی که در مکرها و حیل‌های مسلمان نما می‌رفت تا مجدداً به جاهلیت بازگردد. در این زمان وجود با برکت پیامبر (ص) فرزندش حضرت اباعبدالله (ع) را مورد خطاب قرار می‌دهد و وظایفی را به عهده‌ی ایشان می‌گذارد که می‌شود منشأ حرکت به طرف کربلا. صدای ملکوتی پیامبر (ص) در جان امام می‌پیچد: ای

بهترین بنده‌ی پروردگار تو را به سفری فرمان می‌دهم که کوچ از مدینه است. در این سفر همه‌ی اهل‌بیت حضور دارند زیرا سازنده‌ی تاریخ انقلابی هستند که نقشش تا قیامت مکر مکاران را در آلوده کردن چهره‌ی پاک حقیقت جوین آیین محمدی (ص) برملا می‌سازد.

پس روی سخنم با دخترم زینب است. پیام مرا به دخترم برسان و بگو جدّ رسول خدا (ص) فرمود: ای پاره‌ی تنم، جان مانند گوهرت در سختی‌های زمان به مانند جدّت مجروح خواهد شد پس از آن را با داروی عشق مداوا کن تا توان حمل تاریخی را داشته باشی که آیین‌های حق است در تمام دوران‌ها تا قیامت. دورانی که نامت را به‌عنوان بزرگ‌ترین مبارز حق خواهند شناخت. پس منتظر باش تا زمان فرمان خویش را آشکار کند مانند مردمان آخرالزمان که در انتظار دولت حق هستند، برای آمدنش به دامن پروردگارشان با دعا و مویه پناه می‌برند و برای برقراری‌اش فریاد می‌زنند:

اللهم عجل لولیک الفرّج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۳ هـ.ق - نورالحسین)

۲۵ مرداد ۱۴۰۰

خطبه‌ی شب هفتم (قرائت سوره مبارکه انبیاء)

سلام بر امانت زمان فرمانی که همگان را به بارگاه ملکوتی الله می‌خواند آن گاه که اعلام می‌دارد «فِي النَّاسِ خَلِيفَةٌ». جان‌ها با این فرمان به حرکت درمی‌آیند تا نشان برتری خویش را به نمایش بگذارند. عقل به تفکر این فرمان الهی در رتبه‌ی اول قرار می‌گیرد. باید اندیشه کند به چه کسی فرمان می‌راند. او فرمانروای چه فرمانی است. به جانش نظر می‌کند. نعمت‌های رنگارنگش را در مقابل دیدگانش قرار می‌دهد.

شکر بر این همه احسان الهی که قدرت تفکر را به او هدیه فرموده. می‌اندیشد، در قلبش احساسی وجود دارد، آن را می‌شناسد، در مقابلش به رکوع و سجده می‌رود. کوچکی وجودش را اعلام می‌کند. به آستانه عشق می‌ورزد. در تمام سختی‌های او را به مدد می‌خواند تا بار دیگر به جایگاهش بازگردد. پس زمان همواره آراسته به این نعمت بی‌پایان بوده. نعمت هدایت انبیاء به سمت حقیقت جان‌ها، مانند وجود مقدس آخرین رسول الهی که سفیر نجات جان‌هاست تا قیامت چه در حیاتش و یا مماتش.

اینک سال‌ها از نبودن جان با جلالتش در میان امتش می‌گذرد ولی همواره فرمان نجات مردمان در تمام عصرها و زمان‌ها در گوش زمان طنین‌انداز است مانند فرمانی که فرزند گرامی‌اش حضرت اباعبدالله (ع) دریافت می‌فرماید. همان ندایی که او را به خدمت جدش می‌خواند. صدای رسول خدا (ص) در جانش طنین‌انداز می‌شود. ای یادگار بهترین خلق پروردگار آنچه به آن مأمور شده‌ای جان عزیزت را به سوز و گدازی سخت در هدایت امت دچار خواهد کرد زیرا جهالت این قوم آن‌چنان عمیق است که من در عرب جاهلیت سراغ نداشتم. تو را به سوی خود خواهند خواند آنگاه به دور گوساله‌ی سامری می‌چرخند. سرمست می‌شوند. با نام من به نماز می‌ایستند آنگاه خاندان مرا در بازی وجود تاریک و ظلمانی خویش از دین و رسالت جدا می‌دانند.

جان شیرینم آنچه به عهده‌ی تو گذاشته می‌شود بار سنگینی است که زمان‌ها از درکش عاجزند. همواره به آن می‌اندیشند ولی دلیلش را نمی‌یابند زیرا به ظلم خو گرفته‌اند. آن‌ها فرزندان مرا، جانشینان رسالت را به شهادت می‌رسانند و مردمان عصرشان تماشاگر این ظلم عظیم هستند. این ظلم در امت آخرین فرزندم آن‌چنان عمیق است که مردم اندیشیدن را فراموش می‌کنند. عقلشان به‌مانند کودکی ناتوان در محور احتیاجات زندگی روزمره‌ی آنان خلاصه می‌شود. همواره در رنج رسیدن به امیال دنیوی هستند. رهبری امامشان را درک نمی‌کنند. آنان قرآن کریم را دوست می‌دارند تا ذخیره‌ای شود برای برزخشان درحالی‌که اطاعت از آن را از زندگی خویش جدا کرده‌اند. این امت را هدایت هیچ هدایتگری از مرگی که به آن مبتلا شده‌اند نجات نمی‌دهد پس مرتب به صفحه‌ی زمان می‌آیند. می‌روند تا حق‌طلبان به‌طرف دولتی حرکت کنند که جانشان در سوز و گداز برپایی آن در فغان است و او را می‌خوانند به دعای:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۳ هـ.ق - نورالحسین)

۲۶ مرداد ۱۴۰۰

خطبه‌ی شب هشتم (قرائت سوره مبارکه یونس)

سلام بر آینه‌ی حقیقت، حقیقتی که جان‌ها را به میدان محاسبه می‌خواند آنگاه تصویر روشنی از آنچه در پیش روی همگان است را ابلاغ می‌فرماید تا عمرها در حلقه‌ی اراده‌ی مدبر اموری به حرکت درآید که خود فرمود: من زمین و آسمان را در شش روز آفریدم. زمین جان‌هایی که در این شش روز به دنیا می‌آیند. بذرافشانی می‌شوند، ریشه می‌دوانند، رشد می‌کنند و صاحب محصول می‌شوند. محصولشان در برابر تلاشی که کرده‌اند قیمت‌گذاری می‌شود گاه آن‌چنان مرغوب است که قیمتش بهای بهشت است و گاه طبق فرموده‌ی قرآن کریم در تندباد نفس اماره به خاکستر تبدیل گشته و آثاری از زمینش باقی نمانده محصولش سوخته و وجودش به ویرانه‌ای تبدیل گشته که دیگر نامی را به دنبال ندارد.

امروز هشتم محرم سال ۵۳ هجری است. هنوز حادثه‌ای شکل نگرفته، حرکتی به وجود نیامده. طبق فرمان آخرین پیامبر الهی که عهده‌دار هدایت‌اند تا قیامت باید میراث دار و جانشین رسالت در آنچه امر می‌فرمایند به حرکت درآیند.

طبق فرمان رسول الله (ص) امام در حرم ایشان حاضر می‌شوند. صدای مطهرشان فضای مسجد را پر می‌کند. ای بهترین هدیه‌ی پروردگرم تو را به سفری امر می‌کنم که بازگشتی ندارد. فرزندانم تو را در این مسئولیت عظیم یاری خواهند کرد پس با تمام آنچه در اختیار داری به طرف این انقلاب عظیم برو. همه‌ی اهل‌بیت را با خود همراه کن تا نامشان در پرچم حق تا قیامت بدرخشد و آیندگان به آنان به‌عنوان مبارزانی بنگرند که اطاعت در خون و گوشتشان در حیاتشان و مماتشان جزء اصلی‌ترین فرمان عمرشان است. پس فرزندانم را در آغوش پر مهت بگیر و اعلام کن جدتان شما را به سفری می‌خواند که جان نازنینتان در معرض کفر زمان آسیب خواهد دید و روح متعالی و بزرگتان در آغوش جدتان به آرامش خواهد رسید پس به آنچه فرمان داده‌ام

عمل کنید تا آیندگان از امت من به آن بیندیشند و فرمان قرآن کریم را آینه‌ی عملشان قرار دهند.

آیا نور و ظلمت برابرند؟ ظلمتی که نفس اماره در جان‌ها به‌مانند مرزی هولناک به وجود می‌آورد تا مدعیان دین‌داری را در نقابی فرورد که امام و رهبرشان را از زمان حیاتشان خارج کنند و سپس به شادمانی پردازند. وای بر چنین امتی که به بلاهای گوناگونی دچار می‌شوند که هیچ راه گریزی ندارند جز آنانی که به لشکر حق پیوندند و به مانند امامت جان عزیزت اعلام دارند ما از پرچم حق جدا نمی‌شویم همان‌گونه که پیامبرمان فرمان داده است و همواره سینه‌ی خویش را آماده‌ی صدور فرمانی می‌کنیم که ما را به دولتی فرامی‌خواند که جز حق نباشد پس فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۳ هـ.ق - نورالحسین)

خطبه‌ی شب نهم (شب عاشورا) (قرائت سوره مبارکه قیامت) ۲۷ مرداد ۱۴۰۰

سلام برای یومی که پروردگار فرمود در آن خرید و فروشی نخواهد. جان‌ها از تعلقات خویش جدا می‌شوند مانند لحظه‌ای که روح از بدنی که به آن عشق می‌ورزید جدا می‌شود تا بار دیگر با فرمانی که او را می‌خواند به جانی متصل شود که استخوان‌های پوسیده‌اش مجدداً به یکدیگر پیوند خورده تا به سوی حقیقتی به حرکت درآید که از الست به همراهش بوده و باز تنهای تنها او را خوانده‌اند. هیچ یآوری در کنارش دیده نمی‌شود. باید به سوی فرمانی به حرکت درآید که نامش قیامت است. قیامت چیست؟ زیباترین رحمت الهی که همگان را در نعمت پروردگار قرار می‌دهد. آغوش پرمهرش بار دیگر پذیرای بندگانی است که از جایگاه خویش به سرزمینی غریب سفر کرده‌اند. چه آغوش با عظمتی، کدام ثروت در زمین قادر است تا با یک لحظه از این محبت الهی مقابله کند وای بر بندگانی که از لذت این آغوش خویشتن را محروم کرده‌اند. آنان روشنایی روز و تاریکی شب را در وجودشان خلاصه کرده‌اند. نه به بامدادان که آغاز ابراز بندگی به بارگاه جبروتی خداوند کریم است عشق ورزیده‌اند و نه به شبانگاهان که به بستر رفته‌اند تا عشق بارگاه جبروتی‌اش را در آغوش گیرند پس پیام هیچ پیام‌آوری را نشنیده‌اند. اینک صدای جانی را می‌شنوند که جز تباهی راهی برایش مهیا نشده است. زمان زبان گویای بندگانی است که حقیقت وجودشان بر همگان آشکار گردیده مانند جانشینان پروردگار کریم که در زمان‌ها به هدایت امت خویش همت گماشته‌اند، گاه توان عقلی مردمان قادر به درک ثروت وجودشان بوده و گاه از صحنه‌ی زندگی‌شان خارج شده‌اند به‌مانند فرزند گرامی رسول خاتم (ص) حضرت اباعبدالله (ع) که در گرفتن فرمان مبارزه با باطل زمان به خدمت جدشان حضرت رسول اکرم (ص) می‌رسند و ایشان با همان زبانی که وحی را تلاوت می‌نمودند امر می‌فرمایند که اهل‌بیتشان از زادگاه خویش به طرف اجرای این امر عظیم به حرکت درآیند.

امروز در نهمین روز از محرم حضرت را مورد خطاب قرار می‌دهند: ای نور دیده‌ام بر جان عزیزت سخت خواهد بود که صدای هدایت در گوش زمان خواهد پیچید کیست که مرا یاری کند و امت من از هدایت خواهند گریخت، به طرف حقیقت قرآن کریم هجوم می‌آورند تا نور خدا را خاموش کنند درحالی که نور پروردگار عالم تابنده‌تر از آن زمان در زمان‌ها منور خواهد شد. صدای هل من ناصرٍ به مانند صدای جدت حضرت ابراهیم خلیل در جان‌ها به ودیعه می‌ماند تا دولت حقه برپا شود آنگاه مددکارانت از حجاب زمان خارج شوند و آن‌چنان کفر را افسانه کنند که پروردگار فرمود باطل کف روی آب است پس با همه‌ی یاران و مددکارانت او را بخوان به دعای:

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۳ هـ.ق - نورالحسین)

۲۸ مرداد ۱۴۰۰

خطبه‌ی روز عاشورا (قرائت سوره مبارکه فجر)

سلام بر انوار قرآن کریم انواری که حکایت از رحمت بی‌منتهای الهی را به همراه داشت آنگاه که فرشته‌ی وحی آن را بر قلب ملکوتی پیامبر (ص) وارد نمود تا بندگان در بند محبتی شوند که شکرش را پایانی نیست. زمان در ۲۷ رجب در فرمانی جاودانه شد که تا قیامت آن را در سینه‌ی خویش حمل خواهد کرد. گذشتگان به آیندگان خواهند پیوست تا همان‌گونه که پروردگار فرمان داده‌اند امت‌ها در کنار پیامبرشان قرار گیرند اینک آنچه در قلب یک مسلمان معتقد می‌درخشد ایمان به آیه‌ای است که امت رسول‌الله (ص) را در کنارش قرار می‌دهد تا پیامبرش مودتش را تأیید کند و مزد خویش را طبق فرموده‌ی قرآن کریم بستاند.

امروز دهم محرم سال ۵۳ هجری است، هنوز روز به نیمه نرسیده است وجود مقدس پیامبر (ص) فرزندش را به حضور می‌طلبد. این آخرین روزی است که تو را به حرکت به طرف کوفه فرمان می‌دهم تا عهد و پیمانی را که قرآن کریم به وفای به آن فرمان داده است را در نزد امت ببینی آنگاه مانند موسی کلیم‌الله تمام آن‌ها را به آتش بیفکنی و حسرت نجات را در آینه‌ی جانشان تماشا کنی. آن‌ها همان گردانندگان گوساله هستند که با خنده و شادمانی آن را بر فراز سرشان بلند کردند تا از خدای نفسشان جدا نباشند و وای بر جان تکه‌تکه شده از کفرشان که به دست توانای فرزندانم بر زمین نقش خواهد بست. همان یادگاران که پروردگارم سرشتشان را از رجس و پلیدی پاک فرمود تا همواره در زمان‌ها و دوران‌ها انوار پاکشان تجلی کند و دوستدارانشان به طرف اهدافشان به حرکت درآیند، از کفر زمانشان بگریزند و به دامن امن امامشان پناهنده شوند. امروز برای اهل‌بیتم روز سختی خواهد بود آن‌ها روباه‌های آدم‌ها را در لباس مسلمانی می‌بینند که آیات کتاب آسمانی را تلاوت می‌کنند و به نماز می‌ایستند و آنگاه بهترین هدیه‌ی پروردگارم را به شهادت می‌رسانند

و به شادمانی می‌پردازند. چگونه توان ایستادن در پیشگاه پروردگار را دارند. آن‌ها هرگز صدای حق را نخواهند شنید، قبرهایشان همواره در آتش جهلشان خواهد سوخت تا روز حساب از راه برسد آنگاه به آنچه به انجام رسانده‌اند گواهی خواهند داد و نفرتی را که در تمام دوران‌ها با خود همراه کرده‌اند را از زبان دوستداران فرزندان رسول خدا (ص) خواهند شنید که آنان را لعنت می‌کنند به کفری که بهترین خلق خدا را از زمان جدا کردند پس به میان فرزندانم برو و اعلام کن جدتان شما را به سفری مزده می‌دهد که راهش پلی است که آنان را به من می‌رساند تا همواره بر خوان سفره‌ی الهی بنشینند و همان‌گونه که خود فرموده خورنده‌ی روزی الهی شوند.

اینک به امتی می‌نگرم که من در میانشان نیستم و امامشان در پرده‌ی غیبت است. آنان نماز را برپا می‌دارند. به دستورات قرآن کریم عمل می‌کنند. جانشان در وعده‌های قرآن کریم متنعم سفره‌ی پروردگار است. شنونده‌ی پیام‌های زمان هستند. مرا در تمام نیازها و دعاها به مدد می‌خوانند و منتظر دولتی هستند که باطل‌ها محو شود و حق چونان انوار قرآن کریم بدرخشد. افسوس که همان‌گونه که کتاب آسمانی می‌فرماید قَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ هستند زیرا توان اندیشه‌شان در محور جانشان می‌چرخد پس به روزی که برمی‌خیزند و شبی که به بستر می‌روند اندیشه می‌کنند و از خیر آنچه در آن روز برایشان مهیا گردیده عقب می‌مانند تا زمان منتظرانی را برای دولت‌ش آماده کند که سیر در زمانشان آن‌چنان سرعتی داشته باشد که کفرهای دوران‌ها را به قدرت اندیشه‌شان در هم بکوبند و زمان آراسته شود به نعمتی که وعده‌ی پروردگار است به وعده‌ای که فرمود آنچه برایتان باقی گذاشتم بهترین است.

اینک برای ذخیره‌ی زمان دست به دعا برمی‌داریم و فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لوليک الفرج

والسلام و علی عباد الله الصالحین

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۳ هـ.ق - نورالحسین)

۲۸ مرداد ۱۴۰۰

خطبه‌ی شب دهم (قرائت سوره مبارکه ملک)

شکر و حمد و سپاس بر خالق یکتای آفرینش، آفرینشی که خود فرمود آن را بیهوده نیافریده و به حال خود وانگذاشته بلکه از روی رحمت و تدبیرش بر همه‌ی امور محیط و مدبر است. نیست معبودی غیر از خداوند حکیم و کریم اوست که عزت را از آن مؤمنان و ذلت و خواری را از آن منافقان و کافران اراده فرمود پس حمد و ستایش شایسته‌ی اوست.

امشب شام غریبان است شبی که قلب‌ها در سینه احساس تنگی می‌کند. می‌خواهد قفسه سینه را شکسته و خود را متلاشی کند. شبی است به وسعت تاریکی همه‌ی شب‌ها و به تاریکی جهل باطلین جنایتکارش لعنت الله علی قوم الظالمین.

چه شب غریبی است امشب تاریکی غربتش جان را به یاد غربت تنهایی حق می‌اندازد. انسان‌های حیوان صورت و حیوان سیرت، زمان را در کارهایشان حیرت‌زده کرده‌اند. درنده‌خویی و جاه‌طلبی به میدان آمده تا خود را معرفی کند ولی باطل محکوم به مرگ است و قرآن کریم فرموده مانند کفی است که محو می‌شود. آیا محو شدنش را تاریخ ثبت نکرده؟ پس چرا انسان هنوز علاقه به همان راه دارد و به دنبال پلیدی در حرکت است. و احیرتا از این مردم که پیامبر عظیم‌الشأن اسلام حضرت محمد (ص) برایشان عزت دنیا و آخرت را با تحمل تمام سختی‌ها و آزارها به ارمغان آورد ولی باگذشت پنجاه سال اهل بیت اش را چنین وحشیانه به شهادت رسانده و شادمانی می‌کنند. این جرئت و جسارت را در سقیفه روز رحلت پیامبر عده‌ای دنیاپرست و حسود و قدرت پرست بنیان نهادند و فرزندان و پیروانشان نفس پلیدی که به ارث بردند را ادامه دادند تا شد جنایت عاشورا که آن را امام حسین (ع) با انقلاب خود آنان را که در پشت نقاب مسلمانی مخفی شده بودند را رسوا نمودند.

ایشان که در سال ۵۸ هجری بعد از شهادت برادر بزرگوارشان امام حسن مجتبی (ع) امامت امت مسلمان را به عهده گرفتند که در زمان امام حسن مجتبی (ع) وضعیت طوری شده بود که مسلمانان با اینکه می‌دانستند اسلام اجازه نمی‌دهد مطیع حاکم ظالم باشند اما با معاویه سازش کردند. برای امام حسن (ع) هم راهی نماند برای رسوا کردن معاویه و عمروعاص صلح را پذیرفت و اگر امام حسین (ع) قیام مسلحانه می‌کردند معاویه اسم شورش بر آن می‌گذاشت شورش که برخلاف پیمان صلح امام حسن (ع) بود به همین دلیل حضرت اباعبدالله (ع) اقدامی نکرده مردم هم که در اثر بی‌بصیرتی حوصله‌ی جنگ و قیام را نداشتند عملکرد معاویه ملعون را تأیید می‌کردند اگرچه امام حسین (ع) با معاویه جنگ نکرد اما با این حال در برابر بدعت‌ها و ظلم و ستم او سکوت نمی‌کرد و تا آنجا که ممکن بود مخالفت خود را از هر طریقی نشان می‌داد به طوری که سالی که به حج رفتند از صحابه و تابعین و بنی‌هاشم خواستند در منا در چادر ایشان جمع شوند. آن حضرت فرمود این مرد زورگو و ستمگر با ما و شیعیان ما چه کرد درحالی که رسول خدا (ص) در آخرین خطبه‌ی خود فرمود که من دو چیز گران‌بها در میان شما به امانت می‌گذارم یکی کتاب خدا و دیگری اهل‌بیتم به آن‌ها متمسک شوید تا گمراه نشوید. مردم سخنان امام را تصدیق کردند و امام شروع کرد به شمردن بدعت‌ها و جنایت‌های معاویه و همچنین در نامه‌ای که به معاویه نوشت او را به شدت موردانتقاد قرار داده است و با یادآوری جنایت او در کشتن یاران و شیعیان امام علی (ع) همچون حجر بن عدی و عمروبن حمق و در دوری او از اسلام او را بزرگ‌ترین فتنه اسلام و امت محمد (ص) دانست. معاویه سال‌های آخر عمرش یزید را ولیعهد کرد و از مردم بیعت گرفت و خیلی تلاش کرد که از امام حسین (ع) هم بیعت بگیرد اما امام چنین بیعتی را به هیچ‌وجه نپذیرفت و نامه‌ای به معاویه نوشت که تو یزید را طوری وصف کردی که انگار می‌خواهی فردی را معرفی کنی که زندگی‌اش بر مردم پوشیده است. نه، یزید خود را نشان داده و باطن خود را آشکار کرده است. یزید جوان سگ‌باز، هوس‌باز و کبوتربازی است که عمرش با سازوآواز و خوش‌گذرانی می‌گذرد. گناهایی که تابه‌حال درباره‌ی این امت بر دوش خود بار کرده‌ای بس است کاری نکن که وقت ملاقات پروردگار بار گناهانت از این هم

سنگین‌تر باشد. در سال ۶۰ هجری که یزید می‌خواست به هر قیمتی از امام بیعت بگیرد در مدینه و مکه مأمورانش سعی در این کار داشتند و ایشان به سمت کربلا رفتند.

اینک ای عزاداران و مهمانان کوی حقیقت و نور بیایید بر تنهایی و غربت حق بگرییم. امشب در غربت حق در عالم بی‌نظیر است. شب خوبی است که دلمان را به جراحتهای دل حضرت زینب (س) نزدیک کنیم. به دامن پر عطوفتش سر بی‌قرارمان را بگذاریم و ناله کنیم که تنهایی و غربتمان رمقمان را برده‌ای دخت پیامبر. شما شاهد زمان ما هستید پس به فریاد امت جدتان برسید که امامشان را درک نمی‌کنند، او را نمی‌شناسند، نامش را دوست دارند و یادش را فراموش می‌کنند. اگر کیسه‌ی زری بیابند شمشیر را به‌طرف امامشان نشانه می‌روند مانند نمرود تیر را به آسمان جهلشان می‌اندازند تا خورشید را هدف قرار دهند غافل از این‌که خود را خاموش می‌کنند.

پس به یاد کاروان غربتمان من فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۳ هـ.ق - نورالحسین)

۲۹ مرداد ۱۴۰۰

خطبه‌ی شب یازدهم (قرائت سوره مبارکه اعراف)

حمد و سپاس درخور و شایسته‌ی خداوند جلیل و جلال است خداوندی که شناخته‌شده‌ی عارفان، معبود عابدان، مورد شکر شاکران و هم‌نشین ذاکران است. نزدیک است به هرکس که او را بخواهد. محبوب است به هر کس که او را دوست دارد و مقصود است به هر کس که به او بازگشت کند. نیست معبودی غیر از خداوند تبارک و تعالی که برکاتش در قلب‌هایی است که در تپش حیات خویش منتظرند تا ندای الستشان را در گوش جان بشنوند آنگاه با تپشی که گویای هجرانی عمیق است به طرف خالقشان حرکت کنند. زمزمه‌هایی درجانشان این‌گونه سخن آغاز کند:

ای جان خفته اکنون برخاستی تا جمال یار را در پرده‌های وعده‌اش بنگری آیا توان کنار زدن را داری و هجران سال‌های جدایی پاسخ دهد: مالک وجودم مرا خواندی تا تو را اطاعت کنم اکنون زمان هجران‌های طولانی در سفینه‌ی جانم به سر آمده و شوق دیدارت حیاتم را در تپش عشق به خالقم مجدداً به زندگی باز گردانده و شکر و سپاس به انتظاری که تمام شد و دل‌های عاشق محضر وجود خالق یگانه گردید و سلام و درود بر واسطه‌ی فیض، رسول امجد، حضرت محمد (ص) و بر اهل بیت پاک و مطهرش باد پیامبری که خیر و برکتش به واسطه‌ی رحمت‌ت للعالمین بودنش یعنی رحمت بر عالمین دنیا و برزخ و قیامت تا ابد برای امتش جاری است و عمر مبارکش در راه هدایت مردم گذشت و پروردگار کریم فرموده هرآینه پیامبری از خود شما بر شما مبعوث شد هر آنچه شما را رنج می‌دهد بر او گران می‌آید. سخت به شما دل بسته است و با مؤمنان رئوف و مهربان است.

بله پیامبری چنین رئوف و مهربان برای هدایت بشر و رضایت الهی جان عزیزش را بر کف نهاد و تن نازنین خود را در معرض رنج قرار داد تا مردم را از جهل و گمراهی نجات دهد و برایشان خیر و برکت دنیا و آخرت را به ارمغان آورد و ما در خطبه‌های

امسال با تمام وجود آن را احساس کردیم که چگونه بعد از هزار و اندی سال در هدایت و نجات ما نهایت لطف و عنایت را می‌فرمایند، شنیدیم که به امام حسین از امت آخرالزمان فرمودند:

اینک تو را به آینده‌ای بشارت می‌دهم که جان‌ها در شراره‌ی عشقت به سوزوگداز مبتلا می‌شود آن‌چنان به نامت عشقمی می‌ورزند که هرگز زمان آن را به یاد ندارد.

رسول خدا (ص) از عشقمان با سوزوگدازش در قلبمان به اباعبدالله (ع) خبر می‌دهند ولی متأسفانه مورد تأیید نیست چون فرمودند: او از محرم خاطره‌ای غم‌انگیز را درجانش ذخیره نموده، ذخیره‌اش را در پنهان و آشکار در قلبش مرور می‌کند. نام قهرمانانی که هر سال به صحنه می‌آیند در یک انقلاب حق و باطل شرکت می‌کنند و مجدداً به صفحه‌ی تاریخ بازمی‌گردند تا باز زمان اندیشیدن از راه برسد پس وارث ثروت حق نیستند بلکه وارث خاطره‌ای هستند که درجانشان به جریان می‌افتد درحالی‌که آنچه در زمان می‌درخشد اراده‌ی الهی است در شناخت خلیفه، همان خلیفه‌ای که در آغوش پرمهر رسول الهی (ص) پرورش می‌یابد سپس در حجاب زمان قرار می‌گیرد.

پس با این فرموده که ما امت آخر زمان دهه‌ی محرم را هر ساله از تاریخ جدا کرده و بر سر و سینه می‌زنیم و در پایان به تاریخ برمی‌گردانیم مورد تأیید پیامبر و اهل بیت نیست چون خداوند فرمود ما خلیفه می‌آفرینیم و فرشتگان اعتراض کردند و خداوند فرمود من آن می‌دانم که شما نمی‌دانید. کسی از بزرگی و عملکرد و اخلاص و بندگی خلیفه آگاهی نداشت تا اینکه امام حسین (ع) در نهضت عاشورا آن را به نمایش همگان گذاشت حتی شیطان نیز شرمنده شد و اعتراف به شکست خود نمود پس باید برای همه‌ی روزها و عمر خود از ایشان الگو گرفت و به حق عمل کرد.

خاتم رسولان حضرت محمد (ص) فرمودند که میراث بران آینده که سخنان مرا می‌شنوند و از اراده‌ام آگاه می‌شوند همانانی هستند که در شعله‌ی عشق به فرزندانم ناله سر می‌دهند تا مزد رسولشان را طبق فرموده‌ی پروردگارشان در مودت به فرزندانم

بپردازند غافل از اینکه مزد پیامبرشان در درونی غم‌زده خلاصه نمی‌شود. مودت به معنای اطاعت است پس عمل خویش را به اطاعت مزین کنند.

جان عالم به فدای پیامبرمان که دوستی خود و اهل‌بیتش را درگرو اطاعت از دستورات قرآن کریم و رضایت پروردگار در نتیجه رستگاری امت اعلام فرمودند، درست برخلاف تصورات عده‌ای سودجو و غافل که می‌گویند هر کاری که کردید اگر قطره اشکی برای امام حسین (ع) از چشمتان آمد نجات پیدا کرده و اهل بهشت می‌شوید.

درحالی‌که در خطبه‌های امسال شنیدیم رسول خدا (ص) به امت خود مخصوصاً امت آخرالزمان فرمودند که: امت آخر زمان که خود را منتظران دولت حق می‌دانند و من پیامبرشان اعلام می‌دارم نشان مسلمانی آنان را در حیاتشان با آنچه قرآن کریم به آنان فرمان می‌دهد و من به آنان فرمان داده‌ام می‌شناسم پس نافرمان از امت من جدا می‌شوند.

پس ای مهمانان خانه‌ی مقدس امام زمان (عج) به خدا پناه می‌بریم از اینکه شب اول قبر نکیر و منکر از ما بپرسند پیامبر و امامت کیست درحالی‌که ببینیم که پیامبر، ما را از امت خود جدا کرده، به واسطه‌ی کوتاهی و عمل نکردن به دستورات قرآن کریم. پس تا دیر نشده به خود آییم چون همان‌گونه‌ای که شنیدیم امت آخرالزمان در مورد دین و عملکرد اولیا آن اندیشه نمی‌کنند. فقط فکرشان در روزمرگی دور می‌زند بی‌فکر و بی‌حاصل زندگی می‌کنند و همان‌گونه بی‌حاصل از دنیا می‌روند. همان‌طوری که شنیدیم پیامبر عزیزمان فرمودند که:

امت آخرین فرزندان اندیشیدن را فراموش می‌کنند. عقلشان به‌مانند کودکی ناتوان در محور احتیاجات زندگی روزمره‌ی آنان خلاصه می‌شود و همواره در رنج رسیدن به امیال دنیوی هستند. رهبری امامشان را درک نمی‌کنند. آنان قرآن کریم را دوست می‌دارند تا ذخیره‌ای شود برای برزخشان درحالی‌که اطاعت از آن را از زندگی خویش جدا کرده‌اند.

این امت را هدایت هیچ هدایتگری از مرگی که به آن مبتلا شده‌اند نجات نمی‌دهد پس مرتب به صفحه‌ی زمان می‌آیند و می‌روند تا حق‌طلبان به طرف دولتی حرکت کنند که جانشان در سوزوگداز برپایی آن در فغان است و او را می‌خوانند به دعای:

اللهم عجل لولیک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۳ هـ.ق - نورالحسین)

۳۰ مرداد ۱۴۰۰

خطبه‌ی شب دوازدهم (قرائت سوره مبارکه تکویر)

شکر پروردگار حکیم و عظیم را سزااست که در عذاب بندگان نافرمان و عصیان کننده تعجیل نمی‌نماید که این مهم از حکمت بالغه و اقتدار کامله‌ی او سرچشمه می‌گیرد و هیچ‌کس را از حیطة سلطنتش فراری ممکن نیست و به وعده‌هایی که به مؤمنان به خاطر اخلاص و صبرشان داده عمل می‌کند و از آنان جان و مال و اخلاصشان را می‌خرد و بهشت عطا می‌کند که در قرآن کریم آن را چنین بیان فرمود:

خدا از مؤمنان جان‌ها و مال‌هایشان را خرید تا بهشت از آن آنان باشد درراه خدا جنگ می‌کنند که بکشند یا کشته شوند و عده‌ای که خدا در تورات و انجیل و قرآن داده است به حق بر عهده اوست و چه کسی بهتر از خدا به عهد خود وفا خواهد کرد و فرمود بدین خرید و فروش که کرده‌اید شاد باشید که کامیابی بزرگ است.

بله به این وعده الهی باید شاد باشیم که در این زمانه‌ی پر از فتنه و فساد و کفر که دشمنان دین و مغرضان بابی حیایی به دین ما و اولیاء اش جسارت و بدگویی می‌کنند که اگر در مقابل آنان بایستیم مطمئن باشیم که پیروز خواهیم شد. مخصوصاً در ایام محرم این تهی مغزان میدان را خالی دیده به امام حسین (ع) برچسب قدرت و مقام طلبی زده سعی در لوث کردن نهضت انقلابی عاشورای امام حسین (ع) را دارند.

در خطبه‌های امسال دیدیم در سال ۵۳ هجری پیامبر به امر الهی به ایشان برای به نمایش گذاشتن حق و باطل و برداشتن نقاب از چهره‌ی منافقین همه دوران‌ها مأموریت دادند و اباعبدالله (ع) با جان دل و همه داشته‌های خود به آن قیام کردند. در ذی‌القعدة سال ۶۰ هجری قبل از حرکت به سوی کربلا بر قبر رسول خدا (ص) حاضر شده و این‌گونه صحبت کرده‌اند که:

من می‌روم تا خورشید نبوت طلوع کند و سینه‌های سنگی بشکافد، خون خشکیده در قلب‌ها به جریان بیفتد و وعده پروردگار محقق شود. پروردگارم یاریم کن تا دینت را از چنگال دیوافتان به دستان منتظرانش برسانم. یا رسول‌الله یاریم کنید من به سفری می‌روم که بارها رؤیای آن را برایتان بازگو کرده‌ام و شما هر بار در تعبیر آن مرا به سینه‌ی مبارکتان فشرده و فرموده‌اید آن زمان که مرا ترک کنی اتمم از دین خدا خارج شده و آن را مانند متاعی برای خرید و فروش برای خویش حفظ می‌کنند، بهترینشان رغبتی به اطاعت از فرامین قرآن کریم ندارند آیاتش را تلاوت می‌کنند و از حقیقتش می‌گریزند، قلب‌هایشان در محبت دنیا از عشق لبریز است و این میراثی است که هرگز از میانشان محو نمی‌شود، تو را که خورشیدی در تاریکی وجودشان هستی خاموش می‌کنند و سپس با خیالات خویش خورشیدی ساخته به دورش می‌چرخند. دریغ! محبتشان مانند قوم بنی‌اسرائیل است به گوساله‌ای که سامری ساخته بود تا به‌عنوان خدای موسی آن را بپرستند و آن گوساله در حقیقت تورات سوخت و خاکسترش محو گردید پس تمام گوساله‌ها در حکومت حق خواهند رفت و آنچه باقی می‌ماند همان است که تو در رؤیا می‌بینی.

چه زیبا و تأسف‌آور است این فرموده‌ی اباعبدالله، کافی است کمی دقت کنیم و در اطراف خود آن را ببینیم که عده‌ای رغبتی به دین نداشته و عده‌ای آن را چون متاعی خرید و فروش می‌کنند و امام حسین (ع) را با نفس خود ساخته و از آن درآمدهای کلانی کسب می‌کنند درحالی‌که امام حسین (ع) بارها اراده‌اش در حرکت و قیامش را اعلام فرمود که ای امت، من پسر امیر مؤمنان و نوه پیامبر آخرالزمان تا قیام دولت حقه هستم، پس به فرمانم گردن اطاعت خم کنید. اینک که عازم سفری هستم که جدم خبر آن را داده بود. در این سفر جان‌ها و مال‌ها و فرزندانان در بیعت حق علیه باطل تا قیامت به مهر قران کریم ممه‌ور می‌شود پس برای این جهاد عظیم به‌طرف مدینه حرکت کنید. اینک من شما را به بیعت حق خوانده‌ام تا امام عصرتان را بشناسید. او کسی است که روزها و شب‌ها در دامان رسول خدا (ص) آرمیده است و آنچه از این عشق باقیمانده ادامه‌ی رسالت جدم می‌باشد. پس برای تحقق این مأموریت به‌طرف مکه حرکت خواهیم کرد.

چه وعده‌های شیرینی اباعبدالله به امت و یارانش می‌دهند ولی افسوس نه‌تنها در آن زمان بلکه در عصر حاضر نیز آن را درک نکرده تصورات خود را باور کرده از حق گریختند. ولی امام حسین (ع) تا لحظه آخر حتی بعد از آن مثل جد بزرگوارشان پیامبر (ص) شوق نجات و هدایت امت را داشتند همان‌گونه‌ای که خود فرمودند:

یا رسول‌الله شما شاهدی زنده هستید بر گفتارها همان‌گونه که فرموده‌اید: اگر با کشتن من ایمان می‌آورید پس مرا بکشید. افسوس آنان که مرا می‌کشند در آتش قیامت هم فی‌ها خالدون باقی می‌مانند. خون من در هدایتشان اثری ندارد؛ بر کفرشان افزوده می‌شود و از حق می‌گریزند. آیندگان داستان‌های زیادی از این سفرنامه در کتاب‌هایشان می‌نگارند. بر قهرمانان داستان لباس‌هایی از عجز و ناله می‌پوشانند. داستانی که در آن قهرمانان مرده‌اند و زنان و کودکان اسیر شده‌اند. افسوس هرگز این سفر عظیم به سوی حق حرکتی را در زمان‌ها به همراه ندارد تا عقل‌ها در آن اندیشه کنند. اینک گوش‌ها ندای مرا می‌شنود ولی بار سفر نمی‌بندد. منتظر دولت حق است، بدون توشه‌ی راه. شما بارها درباره‌ی این امت فرموده بودید: آن‌ها کسانی هستند که پیکی برایشان اعزام نمی‌شود گوش‌هایشان پیک آنان‌اند پس می‌شنوند؛ یا بار سفر را برای این دعوت می‌بندند و یا در خانه‌هایشان می‌مانند ولی من بار سفرم را به دستان پر مهر و ملکوتی جانشینم می‌سپارم و می‌گویم: ای جان زنده‌ی عالم، تو را در بزرگی دولتت می‌ستایم و همواره تو را می‌خوانم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۳ هـ.ق - نورالحسین)

۳۱ مرداد ۱۴۰۰

خطبه‌ی شب سیزدهم (قرائت سوره مبارکه فتح)

شکر و سپاس بر پروردگار رؤف و حکیم که همه‌ی آفرینش از حکمت بالغه اش سرچشمه گرفته امور بندگان را از است تا قیامت اصلاح و تدبیر نموده و برگزیدگانش را برای هدایت و نجات در هر زمان برگزید. پس سلام بر ایام آنگاه که حکایت‌های خویش را بر جان زمان می‌نگارد، ساعت‌ها به سخن درمی‌آید، یا رب شکر بر گنجینه‌هایی که مرا با آن ثروت‌ها آراستی تا نام زمان بر همگان آشکار گردد حکایت‌ها در دلش جای گیرد و او همچنان بر کرسی قدرت تکیه زده اعلام دارد: مرا با صاحبم آراستند آنگاه که نامش را خواندند صاحب‌الزمان (عج) همان صاحبی یک ثانیه‌هایم را در دستان مطهرش به برکت وجودش آراست تا از عشقی لبریز شود که در آن ظلمت معنایی ندارد.

بله زمین و زمان و تمام هستی در انتظار و آرزوی دولت حقه امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) است تا وجود مقدسش ظلمت و ظلم را از زمین برکنده و روشنایی و عشق و لطافت را حکم‌فرما کند. یارانش در آن دولت کسانی هستند که در دوره غیبت به دستوراتش که همان دستورات قرآن کریم است عمل کنند و ما چه سعادت‌مندیم که دهه محرم امسال هم بر اوامر ایشان از زبان پیامبر حضرت محمد (ص) و اباعبدالله (ع) آگاهی پیدا کردیم که فرمودند:

آنچه امام عصرتان شما را به آن دعوت می‌کند همان کلامی است که پیامبرتان امر فرموده: از آنچه برایتان گذاشتم پیروی کنید یعنی این خطبه‌هایی که در این دهه خوانده شد برایمان باقی گذاشتند و به ما فرمودند که از این پس مختارید راه خیر را در پیش بگیرید و یا راه شر را. همواره بیندیشید جانی را حمل می‌کنید که دو شراب مست‌کننده را به همراه دارد، یا از عشقش مست می‌شوید و یا از شرش. امت پیامبر از شرش مست شدند و قرآن را مهجور و اهل‌بیتش را شهید کردند. ما با این سفارشات

امامان چه می‌کنیم، امامی که بزرگی و عزتش غیرقابل‌تصور است. چه زیبا آن را مادر گرامی‌شان حضرت زهرا (س) از قول زمان فرمودند:

اینک عصاره‌ی شش روز آفرینش در کام زمان به‌مانند ندایی شیرین در جریان است تا آفرینش به عظمتش معترف شود، او را بخواند، ای ودیعه دارم تو را به کدامین نام بخوانم که پروردگارم امر فرموده تو همان ذخیره‌ی ایی که معنای شش روز را درجانش مخفی فرموده تا حق به اصل خویش بپیوندد و باطل از میان برود.

پس باید درک کنیم که اراده‌ی خداوند کریم از آفرینش هستی دولتی بوده که در آن باطلی نباشد و خلیفگان در آن به‌حق عمل کنند و رهبر چنین جامعه‌ی ایی وجود مقدس سرور و مولایمان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) می‌تواند باشد. پس برای آماده شدن برای آن دولت به سفارشات گوهربار ایشان عمل کنیم که فرمودند:

دنیا برایتان جز خوابی خوش یا رؤیایی تلخ معنای دیگری ندارد، یا با شادی از آن برمی‌خیزید و یا از اینکه در خواب بودید شاکر پروردگارتان هستید. با خود چه کرده‌اید؟ چگونه حقیقتی را که نامش خلقت است در بازی‌های کودکانه به فراموشی سپرده‌اید؟ سال‌های عمر را می‌گذرانید و در آینه‌ی عبرت زمان نمی‌نگرید. بنگرید که چگونه بالای ملکوتی را با طناب نفس بسته‌اید پس به خود آید، فرصت باز کردنش را به جانتان هدیه کنید.

اینک ای منتظران وجود مقدس مولا و سرورمان اباصالح المهدی (عج) برای شناخت واقعی این گوهر و گنجینه الهی به دامان پرمهر مادر گرامی‌شان سرور عالمیان حضرت زهرا (س) پناه می‌بریم تا برایمان گوشه‌ای از فضائل ایشان را بیان فرمایند که انتظار آن زمان که صدای حق طنین‌انداز می‌شود و پروردگار عالم گوش جان را می‌شکافد تا تمام پرده‌های غفلت دریده شود و صدایی همچون نوای نرم بارانی در بهار گوش جان‌ها را بنوازد. برای منتظران منم آن وعده‌ی شیرین پروردگار عالم که نامم گوش زمان را شنوا می‌سازد و همگان را به دیدن حکومتی می‌خواند که تاختش انوار قرآن کریم است پس سلام برآمدنش که حق است و منتظرانش که توان جانشان قادر به درک دولتی است که در آن باطل نابود می‌شود و آیه‌ی کریمه‌ی قرآن که

می‌فرماید «جاء الحق و زهق الباطل» بر سینه زمان جاودانه نقش می‌بندد. او کیست که دقایق حیات در فرمانش در حرکت است چه کسی به حقیقت آفرینش آگاه است، به رمز جان با برکتش جز آفریدگارش کسی آگاه نمی‌باشد. او یحیی و یمیت را در فرمانش به نمایش می‌گذارد پس جانی منتظر خوانده می‌شود که همواره توان عقلش به غیب قرآن کریم متصل باشد، غیبی که او را به مهمانی باشکوهی دعوت می‌کند و مرتباً می‌فرماید آنچه برایتان باقی گذاشتم برایتان بهتر است. صاحب‌الزمان آفرینش قادر است تا به اراده‌ی خویش تمام عوامل هستی را در اختیار گیرد و آن‌چنان بر آنان فرمان براند که جزء به اطاعتش کردن خم نکنند. همواره بر قامت ملکوتی‌اش بنگرند و در هدایتش انواع جانشان را بیارایند.

امروز قلب‌ها آن ذخیره بی‌همتا را در خود حس می‌کند پس مولای ما، ما به آمدنت سرمستیم چه بفهمیم یا ساعتی با آن مشغول باشیم. ای حق جاودان به امت خویش که همواره تو را به فرج می‌خواند نظری فرما تا به دولتی برسد که عمرها را در خود ذخیره کرده، عمرهایی که همواره از کودکی به جوانی و از جوانی به پیری و سپس به قبری که در دعای عهد می‌خواند که کفن پوشیده از آن برخیزد و دولت حق را یاری کند.

ای یادگار رسولان در نعمت افزون بر نعمت دیگر ما را نیز از این مائده‌ی آسمانی محروم نفرمایید تا همواره بادلی مشتاق و چشمی اشک‌بار تو را بخوانیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی روز اربعین

۵ مهر ۱۴۰۰

سلام بر زمان و بر آنچه در سینه دارد. حقیقت‌هایی که انوارش معنا کننده‌ی خلقت است. امروز اربعین حقیقتی است که جان‌ها از درک بزرگی‌اش عاجز است چگونه به تماشای صحنه‌ای نشسته که بارها وصف حالش را شنیده و امروز بیان کننده‌ی حقیقت راهی است که ده شب با فرامینش همراه بوده، در بزم فرمانی نشسته که از زبان آخرین پیامبر الهی بر جان‌ها واجب گردیده. همان بزمی که امروز به حاصل چهل روز مبارزه رسیده است و صدایی که در جان اباعبدالله (ع) می‌پیچد. ای انوار قلبم تو را به حرکتی فرمان دادم که ده شب بر اقامت در طور جان‌ها افزود و اینک به اربعین ليله رسیدی. اربعینی که با آیات الهی جاودانه شد. حق و باطل از آینه‌ی زمان بیرون آمد. جان‌های مرده نشانی از نامشان باقی نماند و جان‌های زنده بار دیگر به صفحه‌ی زمان آمدند تا عاشقان حق را به مبارزه‌ی باطل بخوانند. باطلی که جنگ و میدان جنگی ندارد، حریفی در مقابل دیده نمی‌شود. او قلب‌ها را به تسخیر خود در می‌آورد تا مرکز عشق را به وادی نابودی بخواند. یارانی که به همراه خورشید جانت به ملکوت سفر کردند تا عهد و پیمان آیات الهی را تفسیر کنند و تو عزیز جانم اهل‌بیتم را به سفری دعوت می‌کنی که جان چون گوهرت را در کنار خویش حس نمی‌کنند. آن‌ها راهی سفری می‌شوند که باطل به ظاهر پیروز میدان مبارزه است و فرزندانم چونان خورشید پشت ابر بر جان‌های مرده می‌تابند تا بار دیگر حق به مبارزه‌ی باطل خوانده شود. باطل جان حقیر و ذلیلش را در این مبارزه بردارد و به هر سو بگریزد ولی راه گریزی نیابد و فرزندانم درحالی‌که زمان را به عطر حق مزین نموده‌اند به کنارم بازگردند.

دخترم زینب (س) به زبانی شیرین مرا بخواند. ای خاتم رسولان (ص) به دخترت بنگر که پرچم رسالت را به بهای سنگین به کنارت بازگرداند تا آوازه‌ی نهضتی که به آن امر فرموده بودید بار دیگر تا قیامت بر صفحه‌ی زمان بدرخشد و آینه دارانش را به بزم خویش بخواند. بزمی که امروز ملکوتیان در مقابلش سر تعظیم فرود آورده‌اند و وای

بر وارثان این ارث عظیم که در حقیقتش جانشان نیفروزد. همچنان در دایره‌ی باطل بمانند. عمرشان به بهایی اندک به فروش برسد و به مانند یزیدیان پرچم غم به آغوش گیرند و باطل را در دیده‌ی همگان حق بخوانند و آنچه از این بزم عایدشان شود همان باشد که عاید باطل شد.

پیامبر (ص) می‌فرمایند: ای نور دیده‌ام به سفری خواهی رفت که اربعینش حاصل رسالت موسی کلیم‌الله است و شنوندگانش همانانی هستند که همواره توشه‌ی خویش را در صبحگان به مانند مثال قرآن کریم می‌بافند و در شامگان از یکدیگر جدا می‌کنند زیرا چراغ فروزنده‌ی حق را در کنارشان حس نمی‌کنند. آنان به مانند کودکان که پدر و مادر خویش را می‌خوانند او را می‌خوانند تا مایحتاج روزمره‌ی خویش را برایشان فراهم سازد و آنان با شکم پر و خیالی آسوده به بستر بروند و جز این حیات، حیات دیگری را درک نکنند. پس اربعین‌ها را بگذرانند. در پای کوه طور بنشینند تا اربعین دیگری از راه برسد و باز جانشان در حق و باطل به آزمایش زمان سپرده شود و آنچه عایدشان در این روز که نامش به یاد آورنده‌ی رشادت شهیدانی است که پا در رکاب عشق نهادند. تا خاطره‌ی خون پاکشان مردگان دهر را به بزم حق بخواند.

غروبی باشد حزن‌انگیز و من به حقیقت جویان و وارثان این روز عظیم مژده می‌دهم که نامشان در زمان به‌عنوان وارثان این حرکت عظیم باقی بماند و همواره گوش‌های منتظر خاطره‌ی آنان را در جانشان بخوانند به نوای:

اللهم عجل لولیک الفرج